



درس تفسیر سوره مبارکه نور - جلسه ۳۶

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَھُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۸) وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۹) وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۶۰)﴾

استئذان دو گروه از والدین در اوقات ثلاثه

درباره ملك يمين و افراد نابالغ سه مرتبه از شبانه روز را استئذان فرمود، فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ آنها که غلام شمايند و آنها که نابالغاند چه فرزند شما چه فرزند ديگران همين که نابالغ باشند اينها مستئذان هستند می توانند بدون اذن وارد بشوند اما سه وقت شبانه روز بايد اجازه بگيرند اين مرّه در مقابل دفعه نيست بحثی که در اصول ملاحظه می فرماييد که آیا امر مفيد مرّه است يا تکرار آنجا مرّه به معنای يك دفعه است اینجا سه مرّه سه دفعه نيست يعنی سه وقت چون خود اين مرّات را در جمله بعد به اوقات تفسیر فرمود که فرمود: ﴿مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ

الفَجْرِ و کذا و کذا پس ﴿ثَلَاثَ مَرَّاتٍ﴾ یعنی «ثلاث اوقات». عمده آن است که این مأمور کیست در این امر غایب، اگر خصوص بالغان از ﴿مَلَکَتْ أَيْمَانُکُمْ﴾ باشد این درست است ولی در آیه گذشته از ملک یمین افراد نابالغ هم ذکر شدند افراد نابالغ که مأمور نیستند «رُفِعَ الْقَلَمُ... عَنْ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ»^۱ پس مأمور کیست بر چه کسی واجب است که جریان استیزان را مطرح کند بر بالغان بر اولیا واجب است که طرزی این اطفال را تربیت کنند که اینها بدون اجازه وارد اتاق مخصوص پدر و مادر نشوند.

امر به وجوب صلابت مسلمین در برابر بیگانگان (در آیه ۱۲۳ سوره توبه)

نظیر این امر در سوره مبارکه «توبه» گذشت در پایان سوره مبارکه «توبه» آیه ۱۲۳ به این صورت آمد ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾ یعنی مؤمنین! کفاری که مهاجم اند شما دفاع کنید و این جهاد دفاعی را حفظ کنید ﴿وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾ آنها حتماً باید در شما غلظت را استواری و صلابت را بیابند. این امر غایب است مأمورش که کفار نیستند بر کفار واجب نیست که در شما احساس غلظت بکنند بلکه بر مسلمانها واجب است طرزی دارای صلابت سیاست و نظامی باشند که کفار در آنها احساس صلابت بکنند این صلابت را بیابند. در معرکه جنگ ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ﴾^۲ حاکم است در زمان نبرد خب جای خشونت است اما در این جمله سخن از خشونت نیست که شما خشن باشید و غلیظ باشید بلکه شما آن قدر باید متصلّب و استوار باشید که حتماً بیگانه در شما احساس صلابت بکند این امر آن ضرورت و لزوم را می‌رساند منتها مأمور این امر، کفار نیستند مأمور این امر، جامعه اسلامی و امت مسلمان است امت مسلمان از نظر علمی سیاسی اقتصادی اجتماعی نظامی به قدری باید متصلّب باشد که بیگانه احساس طمع نکند و احساس

۱. الخلاف (شیخ طوسی)، ج ۳، ص ۳۵۳ و ج ۵، ص ۲۷۱؛ رك: الخصال، ج ۱، ص ۹۴.

۲. سوره توبه، آیه ۷۳؛ سوره تحریم، آیه ۹.

هراس بکند مثل اینکه این سلسله جبال البرز دشمن کسی نیست با کسی هم خشونت رفتار نمی‌کند ولی همه می‌فهمند که نمی‌شود با کوه در افتاد این کوه آن قدر استوار است که اگر کسی با او در افتد خودش را گرفتار می‌کند همه از این سلسله جبال البرز برکتهای فراوانی را دریافت می‌کنند اما در او احساس غلظت می‌کنند کسی به جنگ قلّه دماوند نمی‌رود فرمود شما مثل سلسله جبال باشید در اثر وحدتتان امنیّتتان درایتتان سیاستتان اقتصادتان اتّحادتان آن قدر مستحکم باشید که دشمنها در شما احساس صلابت و قدرت و صیانت بکنند این امر به امت اسلامی است که اثرش در بیگانه ظهور می‌کند ﴿وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾ یعنی آن قدر شما باید متصلّب باشید که آنها این معنا را درك بکنند.

پرسش..

پاسخ: نه آن در ﴿اغْلُظْ عَلَيْهِمْ﴾ است در صورت جنگ نظیر آن دفاع مقدس هشت ساله «رَدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ»^۳ که قبلاً گذشت آنجا بله جای غلظت است اما در حال عادی، جامعه اسلامی آن قدر باید مستحکم باشد که بیگانه طمع نکند.

وجوب خطابات در سوره نور و توبه

پرسش...

پاسخ: در میدان معركة بله اما این امر غایب است آن امر حاضر خطابش به مسلمانهاست که روشن است اما این امر غایب یعنی چه؟ کفار که امر شارع مقدس را اطاعت نمی‌کنند این امر غایب هم مثل امر حاضر برای وجوب است بر آنها واجب است که در شما غلظت را بیابند یعنی شما باید غلیظ باشید دیگر. خب اینجا هم همین طور است ﴿لَيْسَتْ أَذْنُكُمْ﴾ بچه‌ها حتماً باید اذن بگیرند آنها که مکلف نیستند تا اذن بگیرند یعنی شما باید طرزی

۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۴.

آنها را بیرورانید که آنها به ادبِ اذن آشنا بشوند پس چه بچه‌های خود آدم چه بچه‌هایی که بالأخره در منزل آدم رفت و آمد می‌کنند آنها را طرزی باید تربیت کرد که در سه وقت از شبانه‌روز بدون اجازه وارد اتاق آن پدر و مادر یا بزرگ خانواده نشوند.

پرسش...

پاسخ: برای زنها و مردان هم است منتها خطاب قرآن روی مردم است نه مردان.

پرسش...

پاسخ: همان چیزی است که همه ردّش کردند برابر آیات قبلی و آیات بعدی این زن که حالا می‌خواهد لباس خواب بپوشد این طور نیست که رها باشد که هر کسی بتواند او را ببیند حتی مَلِكِ یَمین او؛ این مَلِكِ یَمین در خصوص مرد استثنا شده است در خصوص زن که استثنا نشده یعنی اگر زنی مَالِكِ غلامی بود این غلام که نمی‌تواند او را نگاه کند.

همسویی خطابات قرآن با فرهنگ محاوره

خب خطاب قرآن به مردان نیست به مردم است این يك فرهنگ محاوره است آنجا که سخن از مرد در مقابل زن است آنجا سخن از رجال و نساء است اگر دلیل بر تغلیب نداشتیم آنجا سخن از مردان در قبال زنان است وگرنه تعبیر قرآن کریم نظیر محاورات عمومی يك فرهنگ خاص دارد که خطاب به مردم است نه مردان؛ می‌گوییم مردم رأی دادند مردم انقلاب کردند یعنی مرد و زن این مردم در قبال زنها نیستند مردان‌اند که در قبال زنان‌اند رجال‌اند که در قبال نساء هستند ﴿لَيْسَتْ أَذْنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ﴾ چه

اینکه در آیه‌ای که قبلاً گذشت ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيْرَ بُيُوتِكُمْ﴾^۴ این اختصاصی به مردان ندارد برای مردم است اعم از مردان و زنان اصل مطلب برای همه است خصوصیات و موارد استثنایی‌اش هم برای همه است ﴿وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ﴾ این تربیت عمومی ناظر به اولیاست آیه شش سوره مبارکه «تحریم» این است ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ حالا بعضیها نار بالفعل دارند مثل فرزندان بالغ بعضی نار بالقوه دارند نظیر فرزندان غیر بالغ این فرزند غیر بالغ اگر تربیت نشود وقتی بالغ شد خب به طرف فساد گرایش پیدا می‌کند دیگر اینکه فرمودند: «مروهم بالصلاة و هم أبناء سبع»^۵ همین است اینکه فرمود: «فرّقوا بین أولادکم فی المضاجع إذا بلغوا سبع سنين»^۶ همین طور است باید انسان از تشریفات زندگی کم بکند ولی بستر خواب بچه‌ها را کاملاً مستقل کند جدا کند دوتا بچه را چه دو برادر چه دو خواهر چه يك برادر و خواهر هفت هشت ساله اینها را در يك رختخواب ن خوابانند اگر برای هر کدام يك رختخواب مستقلی باشد اینجا را نمی‌گویند تجمل باید از آن هزینه‌های زائد کم کرد بستر اینها را جدا و مستقل کرد. خب در آیه ششم سوره «تحریم» فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ که ﴿وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ خب این ﴿أَهْلِيكُمْ﴾ درست است که بالغ را بالفعل شامل می‌شود ولی نابالغ را هم بالقوه‌ای که قریبه به فعل است شامل می‌شود بر بزرگ‌ترها لازم است که خردسالان را پرورانند چه نسبت به فرزندان خودشان چه نسبت به فرزندان دیگر اگر همسایه‌ای رسماً حریم نگیرد و به کودکان مجاور نفهماند که شما باید وقتی وارد می‌شوید در این سه وقت اذن بگیرید خب این هم بی‌اذن وارد می‌شود مخصوصاً در بخشهایی که رابطه بیشتر هست نظیر بعضی از روستاها و مانند آن خب.

پرسش...

۴. سوره نور، آیه ۲۷.

۵. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۳۳؛ رك: الكافي، ج ۳، ص ۴۰۹.

۶. مكارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

پاسخ: بله خب دیگر بر پدر و مادر واجب است دیگر. شش قول در این آیه طبق حرف قرطبی نقل شده
برخیها گفتند این آیه منسوخ است بعضی گفتند این امر، امر ندبی است و مانند آن.^۷ ظاهرش وجوب است انسان
باید اینها را تربیت کند دیگر.

اصلاح جامعه در گروه تربیت و ایجاد عاطفه در فرزندان از طفولیت

﴿لَيْسَتْ أَذْنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ﴾ در آن روز قبل به عرضتان رسید
که جامعه وقتی تربیت می شود که فرزند از خردسالی عقیف به بار بیاید وگرنه اگر اینها را تا پانزده شانزده سال
رها بکنیم بعد بگوییم بزرگ می شوند خودشان یاد می گیرند این چیزی نیست که انسان بعد از بلوغ یاد بگیرد این
هفت سالی که کودک در اختیار پدر و مادر است يك دوره دانشکده هفت ساله است که همه عواطف و عادات و
آداب را اینجا یاد می گیرند. شما می بینید بعضی از شهرها که عاطفه در آنجا بیشتر حکومت می کند هر چه مسئولین
یا بعضی از خیرین رفتند تلاش بکنند که خانه سالمندان بسازند می بینند نشد می گویند مگر آدم می شود پدر یا
مادر خودش را رها بکند به خانه سالمندان بدهد برای اینکه این بچه، هفت سال دانشکده رفته این دانشکده همان
آغوش مادر است دامن پدر است او عاطفه یاد گرفته این گریه سرمایه اوست و در فراغ آنها می نالد اما شما
شهرهای بزرگ که این بچه ها در مهدکودك تربیت می شوند آن هفت سالی که باید عاطفه یاد بگیرند که یاد
نگرفتند همین که پدر و مادرشان يك مقدار مشکل پیدا شد و سن بالا آمد فوراً خانه سالمندان می برند خب این
محصول همان مهدکودك است دیگر این بچه عاطفه را از کجا یاد بگیرد فراغ مادر را چگونه دردآور بداند فراغ پدر
را چگونه دردآور بداند اینکه درس خواندنی نیست این را که نمی شود در حوزه یا دانشگاه یاد گرفت این فطری و
تزیقی است و زمانش هم همان هفت سال اول است از این هفت سال گذشت دیگر دورانش گذشته است عاطفه

۷. الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۳، ص ۳۰۲.

را آن هفت ساله یاد می‌گیرند این پدر و این مادر اینکه قرآن فرمود: ﴿إِمَّا يَنْلُعَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ﴾^۸ یا ﴿وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾^۹ همین است دیگر خب من این قصه را هم يك وقت برای شما نقل کردم که دو سال قبل من دیدم کسی از این شهرهای استان دور آمده يك استکان آب هم دستش است سَنَش هم از پنجاه گذشته بود با چه بی‌تابی آمده که آقا شما بر این آب حمدي بخوانید من مادرم مريض است خب این درست است که این کارش شاید درست نبود از راه دور آمده! ولی این غرق عاطفه است این نشان می‌دهد که این حاضر نیست مادرش را به خانه سالمندان بدهد دیگر اصلاً به فکر چنین آدمی نیست که مادرش را رها کند این بهترین برکت است این بهترین نعمت است و اما دیگری که اصلاً آب دستش نمی‌گیرد که کسی دهن بزند همین که پدرش یا مادرش کمی سن بالا رفته می‌برد خانه سالمندان از این طرف مهدكودك از آن طرف هم خانه سالمندان این هفت سال، هفت سال تعلیم و تربیت است هفت سال عاطفه است عاطفه قابل خریداری نیست عاطفه فقط در دامن پدر و مادر هست.

موارد لزوم و عدم لزوم استئذان افراد در منزل

بعد فرمود: ﴿طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ﴾ اینها باید بیایند شما را ببینند شما باید اینها را بینی نمی‌شود که همیشه اذن بگیرند. فرمود در این سه وقت اینها آشنا بشوند مؤدّب بشوند که بدون اذن وارد نشوند دقّ الباب بکنند تلنگر بزنند شما لباستان را بپوشید خودتان را جمع بکنید با ادب، اینها را بپذیرید.

پرسش...

۸. سوره اسراء، آیه ۲۳.

۹. سوره اسراء، آیه ۲۴.

پاسخ: بله یعنی او را تحکیم نکنید با جان گفتن و با عزیزم گفتن پیرورانید نه اینکه لوس بار بیاورید این لوس بار آوردن يك مطلب است يك وقت است که تحکیم نکنید با عاطفه او را پیرورانید که او عاطفه یاد بگیرد دیگر خب.

فرمود این سه وقت را شما به آنها بیاموزید که اینها از شما اجازه بگیرند بعد از اجازه وارد بشوند ﴿مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ﴾ در نیمروز دو بار لازم نیست همان يك بار که شخص لباس را عوض می کند کافی است چون بار دیگر هم خودش روشن است که هنگام تعویض لباس، کودک نیاید بعد معلوم فرمود که این چنین نیست که فقط شما معصیت کرده باشید آنها هم مشکل پیدا می کنند آنها اگر جزء ﴿الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ باشند که بالفعل مشکل دارند چون بالغ اند اگر ﴿لَمْ يَلْبُغُوا الْحُلُمَ﴾ باشند بالقوة القریبة من الفعل مشکل دارند چون این همین که بالغ شده است دیگر درکی ندارد حجاب و بی حجابی برای او یکسان است.

﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ﴾ چرا، برای اینکه ﴿طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ﴾ اینها باید با شما زندگی کنند اینها که نمی توانند هر لحظه اجازه بگیرند که این غلام ﴿الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ که مرتب باید کارهای شما را انجام بدهد یا بچه های شما که شما باید مرتب کار آنها را انجام بدهید اینها ﴿طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾ آن وقت فرمود: ﴿كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ﴾ این قرآنی که فرمود: ﴿يَس * وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمِ﴾^{۱۰} برای اینکه کلام حکیم است در غالب این مسائل ذات اقدس الهی به عنوان علیم حکیم خودش را وصف می کند که اسمای حسنائی که در ذیل همین آیه است ضامن مضمون همان آیه است یعنی این دستورها برابر علم و حکمت است ﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾.

﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ﴾ حالا اگر بالغ شدند داخل در همان مستثنامنه اند مستثنامنه این بود که کسی وارد نشود مگر اینکه اذن بگیرد اگر از همسایه یا غیر همسایه کسی بالغ شد این ﴿فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾. محارم در سوره مبارکه «نساء» حسابشان جدا شد فرزند آدم، برادر آدم، برادرزاده ها اینها که محارم اند در سوره «نساء» حسابشان جدا شد الآن سخن از بالغ و نابالغ است و اگر کسی همسایه آدم بود و دوست بچه های آدم بود و بالغ شد حتماً باید اذن بگیرد ﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا﴾ البته به برکت روایات علامت بلوغ چند قسم است یکی همین احتلام است که «رُفِعَ الْقَلَمُ... عَنْ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ»^{۱۱} این حصر نیست اگر سن بود یا علایم دیگر بود آنها هم می توانند نشانه بلوغ باشند ﴿فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ این دیگر می تواند يك امر غایبی باشد که مأمورش همان افراد بالغ اند.

تبیین راههای اصلاح جامعه توسط خدای حکیم

﴿كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ﴾ می بینید این مسائل اجتماعی که اینها مدینه فاضله می سازد پشت سر هم می گوید خدا این را می گوید، پشت سر هم می گوید خدا علیم است پشت سر هم می گوید خدا حکیم است شما این بیانات را در نماز و روزه ندارید که این طور قدم به قدم جزئیات را بگویند بعد بگویند خدای علیم خدای حکیم چون اینهاست که مدینه را فاضله می کند جامعه را ادب اداره می کند این الفبای دین مسئله ای نیست که کسی نداند همه ما می دانیم که بالأخره چك بی محل کشیدن بد است دروغ گفتن بد است خیانت کردن بد است کم فروشی بد است گران فروشی بد است احتکار بد است و به موقع تخلیه نکردن خانه و یا مغازه بد است همه این چیزها جزء الفبای دین است دیگر اینها همه در رساله های عملیه نوشته است همه اینها جزء بیّنات ماست مشکل

۱۱. الخلاف (شیخ طوسی)، ج ۳، ص ۳۵۳ و ج ۵، ص ۲۷۱؛ رك: الخصال، ج ۱، ص ۹۴.

جامعه مشکل اخلاق است نه مشکل علم آن مشکلات عمیق علمی برای حوزه و دانشگاه است که به لطف الهی دارند کار خودشان را انجام می دهند آنکه کشور را مدینه فاضله می کند همین اخلاق است همین آداب است لذا در غالب اینها بلافاصله می گوید خدا این چنین بیان کرده خدا عالم به مصالح است خدا حکیم است تا جامعه راه بیفتد ﴿كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ گفتند سوره مبارکه «نور» را همان طوری که آقایان می خوانند تفسیرشان را می فهمند به خانها هم یاد بدهید تفسیرش را بفهمند^{۱۲} بعد فرمود: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا﴾ این درباره استیذان بود که در آیه ۲۷ بود ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا﴾.

برخی نکات ادبی کلمه قواعد و استثنای زنان سالمند از حجاب

اما بعدش در جریان حجاب آیه سی به این صورت است ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُعْضُوا مِنْ أُبْصَارِهِمْ﴾ تا می رسد به آیه ۳۱ که ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾. از همین گروه که موظف به عفاف و حجاب و سترند زنهای سالمند را استثنا کرده فرمود: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ﴾ قواعد جمع قاعده است یعنی نشسته و اما اینجا قواعد جمع قاعد است نه جمع قاعده برای اینکه این قاعد یعنی «قاعد عن الحيض» همان طوری که حائضه نداریم، حامله نداریم چون «تاء» برای فرق مذکر و مؤنث است اما اگر صفتی مخصوص زن بود دیگر «تاء» فارقه نمی خواهد «تاء» فارقه برای صفت مشترك است مثل عالم و کاتب و امثال ذلك اما نمی گویند حائضه نمی گویند حامله نمی گویند قاعده می گویند قاعد یعنی «قاعد عن الحيض» ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ﴾ یعنی آنهایی که «قَعْدَنَ عَنِ الْحَيْضِ» اینها اگر قدری روسری شان کنار رفت عیب ندارد خب با اینکه برای اینها رعایت ستر اولاست فرمود: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ﴾ حالا اگر منظور از ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ﴾ یعنی آنها که به فرتوتی و کهنسالی رسیدند که هیچ احتمال و

علاقه‌ای به نکاح در آنها نیست و با آنها نیست آن وقت این قید ﴿لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا﴾ می‌شود توضیحی. اگر آن اعم بود که هنوز به آن سن نرسیدند این قید ﴿لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا﴾ می‌شود احترازی. زنهای سالمندی که دیگر سخن از ازدواج با آنها مطرح نیست اینها اگر مقداری روسری‌شان کنار رفت عیب ندارد ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ﴾ اگر بی‌چادر رفتند یا کمی روسری‌شان فاصله گرفت اینها عیب ندارد اما به این شرط که ﴿غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾ آن زینتهایی که گفتیم ﴿لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ آنها سر جایشان محفوظ است برای اینکه آنها در مصنوعیها هم ممکن است جوانی را تحریک کند در این چوبهایی که آنها را مزین می‌کنند با اینکه چوب است ممکن است کسی را تحریک کند چه رسد به زن، فرمود: ﴿غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾ بُرَج آن بنای عالی را می‌گویند ﴿فِي بُرُوجٍ مُشِيدَةٍ﴾ یعنی بناهای مستحکم و یا گچ‌کاری شده و مانند آن تبرج یعنی خودنمایی.

پرسش..

پاسخ: این خطاب، وظیفه مردم است حالا کسی وارد دوشنبه‌بازار، سه‌شنبه‌بازاری و مانند اینها که در گوشه‌کنار این کشور هست شد روستائیهایی می‌آیند و «إِذَا تُهَيِّنُ لَا يَنْتَهِين»^{۱۳} هر چه هم بگویی چون عادت نکردند با آن طهارت روحی که در روستای خودشان دارند خودشان را مرد می‌دانند اینجاست که اگر يك وقت مرد چشمش بیفتد عیب ندارد «إِذَا تُهَيِّنُ لَا يَنْتَهِين» اما وظیفه آنها این است که خودشان را بپوشانند دیگر این وظیفه زن را دارد ذکر می‌کند می‌گوید زن سالمند اگر کمی روسری‌اش کنار رفته عیب ندارد اما آن زنها که سالمند

۱۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۷۰.

نیستند «إذا نهين وجب عليهنّ الانتهاء» اما «لا ينتهين»، «إذا نهين لا ينتهين»^{۱۴} آنجا نگاه مرد عیب ندارد نه اینکه آنها کارشان حلال است آنها کارشان حرام است.

پرسش..

پاسخ: بله دیگر، لذا اگر حُمْر و امثال ذلك بود دیگر نمی فرمود: ﴿غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾ می خواهد طرزی بفرماید که تبرّج را نهی کند اظهار زینت را نهی کند لذا فرمود آن ثیاب به معنای اعم حالا یا چادر ندارد یا بخشی از روسری رفته کنار این عیب ندارد برای اینکه اینها تحريك نمی کند آنهايي که تحريك می کند آنها را نباید اظهار بکند لذا فرمود: ﴿غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾.

سرّ تشبیه جامعه به سفینه و مسئولیت انسان در قبال آن

این بیان هم سخن درستی نیست که حالا هر کسی کار خودش را انجام بدهد درست است که هر کسی را در قبر خودش می گذارند حالا یکی «روضه من ریاض الجنّة» یکی «حُفْرَة مِنْ حُفَرِ النيران»^{۱۵} وقتی مرید هر کسی قبر خودش را دارد اما مادامی که روی زمین هستید سخن از قبر نیست سخن از سفینه است فرمود افرادی که در يك سفینه نشستند در يك کشتی نشستند صندلیهای اینها فرق می کند اگر کسی يك فأس و داسی بگیرد زیر صندلی خودش را بخواهد خراب بکند بگوید من صندلی ام جدا شما صندلی تان جدا دیگران اگر دستش را گرفتند نگذاشتند زیر صندلی خودش را خراب بکند همه نجات پیدا می کنند اما اگر دستش را نگرفتند این زیر صندلی خودش را خراب کرده شکافته شکسته شده آب از زیر صندلی او وارد کشتی شده کل فضای کشتی را به هم می زند همه را

۱۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۷۰.

۱۵. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۲۸.

هم غرق می‌کند این تمثیل وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)^{۱۶} است، نمی‌شود گفت به تو چه! باید گفت هم شما مسئولید به من بگویید هم من مسئولم برای اینکه ما سرنشینان يك کشتی هستیم شما اگر این وضع را ادامه بدهید درباره بچه‌های ما هم اثر می‌گذارد درباره فرزندان ما هم اثر می‌گذارد درباره بستگان ما هم اثر می‌گذارد همه ما مسئولیم «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة»^{۱۷}.

حکم رجحانی حفظ عفت و حجاب حتی برای زنان سالمند

پرسش: روسری نگذارد ولی تبرّج نداشته باشد.

پاسخ: نه خب فرق می‌کند اگر پیرزنی باشد که هیچ اثر ندارد بله ممکن است که جایز باشد اما در ذیل فرمود: ﴿وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ﴾ این سه جمله را کنار هم فرمود با در نظر گرفتن جمله سوم که ﴿وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ﴾ نشان می‌دهد که او هم باید مواظب فضای عفت و اینها باشد خب اگر او طوری است که نوه او می‌گوید مادر بزرگ که حالا بی‌روسری است یا بی‌چادر است من هم باید باشم این کار جایز است این فضا را آلوده می‌کند دیگر این ﴿وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ﴾ همه این قسمت‌ها را ترمیم می‌کند آن ﴿غَيْرَ مُتَّبِرَّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾ هم بخشی را ترمیم می‌کند؛ فرمود: ﴿وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ﴾.

در بخشهایی از قرآن کریم ما را دستور داده که يك حکم الزامی دارید و يك حکم رجحانی دارید آن حکم رجحانی‌تان در سوره مبارکه «بقره» آیه ۲۳۷ و آیه دیگر مشخص شد؛ در سوره مبارکه «بقره» آیه ۲۳۷ بعد از جریان طلاق و گرفتن نصف مهر فرمود: ﴿إِلَّا أَنْ يَغْفُونَ أَوْ يَغْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَغْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ که مرحله کمال را هم نشان می‌دهد. در همان سوره مبارکه «بقره» آیه ۲۸۰ فرمود: ﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ

۱۶. روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۴۸۲ و ۴۸۳.

۱۷. جامع الأخبار، ص ۱۱۹.

إِلَى مَيْسَرَةٍ ﴿اگر بدهکار است کسی، وضع مالی اش مناسب نبود که پردازد باید مهلت داد تا وضعش خوب بشود فرمود: ﴿وَأَنْ تَصَدَّقُوا﴾ اگر ببخشی ﴿خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ بعضی از مسائل است که ما ساده می گیریم از ابن عباس نقل کردند که چند آیه است که من یاد ندارم کسی به این آیات درست عمل کرده باشد یکی ﴿إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ﴾^{۱۸} یعنی باور جامعه این باشد که معیار کرامت تقواست و هر که اتقا بود اکرم است ممکن است بعضیها فی الجمله بپذیرند اما فضای جامعه هنوز این را نپذیرفته که ﴿إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ﴾.

آیه دومی که می گوید من تا حال ندیدم این آیه در جامعه عمل بشود آیه هشت سوره مبارکه «نساء» است فرمود: ﴿وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ﴾ در موقع توزیع میراث اگر این دو سه گروه وارد شدند اینها را محروم نکنید بعضی از بستگان شما هستند که اینها جزء طبقات ارث نیستند سهمی هم برای اینها قائل بشوید اگر ایتامی در موقع توزیع ارث شما آنجا راه پیدا کردند آنها را محروم نکنید مساکین را در هنگام توزیع ارث محروم نکنید سهمی به مساکین بدهید سهمی به ایتام بدهید سهمی هم به بستگان فقیرتان که یا بنا نیست فقیر باشند به بستگانتان که جزء طبقات ارث نیستند بدهید این سه آیه است که می گوید من هنوز جامعه را پیدا نکردم که به این سه آیه درست عمل بکنند یا اکثر جامعه یا غالب جامعه بالأخره به این آیات کمتر توجه می کنند اینهاست که بالأخره زندگی را می سازد آیه سوم همین آیه است که ﴿لَيْسَتِ أَمْوَالُهُمْ بِالْأَمْوَالِ الَّتِي مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ﴾ تا آخر آیه.^{۱۹}

۱۸. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۱۹. تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ج ۸، ص ۲۶۳۳.

مدعی قائلین به عدم وجوب استئذان افراد در منزل

در جریان این ﴿ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ﴾ بعضیها می‌بینید برای عذرتراشی چه در موقع جبهه چه در غیر جبهه می‌گویند خانه ما کسی نیست یا خانه ما در جایی است که ناامن است منطقه‌ای است که مثلاً آنجا هنوز دیوارکشی نشده امنیت محفوظ نیست این گونه تعبیرها و بهانه آوردن‌ها در صدر اسلام هم بود در سوره مبارکه «احزاب» آیه سیزده به این صورت است حالا دشمنها صف بستند آمدند دارند حمله می‌کنند بعضیها می‌گویند خانه خلوت است کسی نیست بچه‌ها نیستند من باید بروم در چنین فضایی. ﴿وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا﴾ اما ﴿وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ﴾ خانه خلوت است کسی نیست ﴿وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ﴾ اینکه فرمود: ﴿ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ﴾ یعنی سه بار است که وضع مختل است سامان‌پذیر نیست نظم نیست در این سه مرحله شما باید با اذن وارد بشوید اینجا هم که می‌گوید: ﴿إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ﴾ یعنی سامانی ندارد در محل تلفات است یا تهاجم است و مانند آن، این کلمه «عوره» که در آیه محل بحث آمده با توجه به آیه سوره مبارکه «احزاب» روشن‌تر می‌شود ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ﴾ در صورتی که این دو قید هم رعایت نکنند ﴿غَيْرِ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾ و اینکه ﴿وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ﴾ عفاف برای همه اینها خیر است نه برای خود او برای اینکه او که ﴿لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً﴾ برای او کاری می‌کند که جامعه را به عفاف دعوت می‌کند ﴿وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.

«و الحمد لله رب العالمين»